

رابطه تحول اخلاقی با سازش یافتگی در نوجوانان*

Relationship between Moral Development and Adjustment in Adolescents*

Ali Khademi,  Ph.D.

Jila Katibaei, Ph.D.

Ali Delawar, Ph.D.

دکتر علی خادمی**

دکتر ژیلای کتیبائی***


دکتر علی دلاور***

Abstract

The aim of this study was to explore the relationship between moral development and adjustment. Using random cluster method, 160 students (80 males and 80 females) of Ajabshir city were selected and participated in the study. The Bell Adjustment Questionnaire (BAQ) and the Lind Moral Development Questionnaire were administered on all participants. Pearson correlation coefficient, independent-sample t-test and correlation coefficients difference test were performed to analysis the data. The results showed that there are significant relationships between moral development and adjustment in the familial, academic, social and emotional areas. There was no significant relationship between moral development and health adjustment. No significant relationship was observed between boys and girls, in moral development. It was also showed that boys in comparison with girls, significantly have less familial adjustment. However,

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی رابطه تحول اخلاقی با سازش یافتگی نوجوانان ۱۴ تا ۱۸ ساله بوده است. برای این منظور ۱۶۰ نفر (۸۰ پسر و ۸۰ دختر) از دانش آموزان دبیرستانی شهرستان عجب شیر به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. «پرسشنامه سازش یافتگی بل» (BAQ) و «پرسشنامه تحول اخلاقی لیند» (LMDQ) که بر اساس نظریه اخلاقی کلبرگ طراحی شده است توسط گروه نمونه به طور همزمان تکمیل شد. نتایج تجزیه و تحلیل آماری با آزمون ضریب همبستگی پیرسون و آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین ها نشان داد که: ۱. بین تحول اخلاقی و سازش یافتگی خانوادگی، تحصیلی، اجتماعی و هیجانی در هر دو جنس رابطه معنادار وجود دارد. ولی بین تحول اخلاقی و سازش یافتگی جسمانی رابطه معنادار به دست نیامد. ۲. نوجوانان پسر در قیاس با نوجوانان دختر به طور معناداری از سازش یافتگی خانوادگی کمتری برخوردارند. ۳. نوجوانان دختر در قیاس با نوجوانان پسر به طور معناداری از سازش یافتگی هیجانی کمتری برخوردارند. ۴. بین تحول اخلاقی نوجوانان پسر و دختر تفاوت معناداری به دست

* Faculty of Education & Psychology, Allameh Tabatabaie University, Tehran, I.R. Iran.
 a_khademi@yahoo.com

* دریافت مقاله: ۸۶/۹/۲۵، تصویب نهایی: ۱۳۸۷/۹/۱۷
** گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه
*** دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی - تهران

girls in aproportion to the boys have significantly less emotional adjustment. According to the results, moral development is a key factor in the individuals' adjustment that causes the decrease in familial, morality and social deviations.

Keywords: moral development, adjustment, adolescent.

نیامد. با توجه به نتایج، ارتقا سطح تحول اخلاقی یک عامل کلیدی در سازش یافتگی افراد است و موجب می‌شود که آسیبها و انحرافات اجتماعی، اخلاقی و خانوادگی کاهش یابد.

کلیدواژه‌ها: تحول اخلاقی، سازش یافتگی، نوجوان.



● مقدمه

«تحول اخلاقی»^۱ و «سازش یافتگی»^۲ از جمله زمینه‌های پژوهشی هستند که در دهه‌های اخیر روانشناسان و پژوهشگران متعدد درباره آنها دیدگاه‌ها و یافته‌های گوناگونی را ارائه داده‌اند. کانت دو نوع اخلاق را مطرح کرده است: «اخلاق دیگر پیروی» یعنی مقررات وضع شده به وسیله دیگران که صورت امر و نهی پیدا کرده است و «اخلاق خود پیروی» که در آن فرد واضح و اجراکننده مقررات برای مهار خود می‌باشد (کدیور، ۱۳۷۸).

از نظر پیاژه شناخت ارزش‌های اخلاقی، مثل هر شناخت دیگر از طریق تعامل فعال فرد با محیط خارج به دست می‌آید. او مفاهیم «به کار بستن قواعد» و «آگاهی از قواعد» را مطرح و در سیر تحولی اخلاق چهار مرحله «فقدان قانون»، «خودمداری همراه با واقع‌گرایی اخلاقی»، «تکوین همکاری همراه با ابهام قواعد» و «نسبی‌گرایی اخلاقی همراه با تسلط بر قواعد» را ذکر می‌کند (پیاژه، ۱۹۳۲).

کلبرگ با توجه به مفهوم «عدالت» سه سطح یا تراز و شش مرحله اخلاقی را مشخص کرد: در تراز «پیش اخلاقی یا پیش قرار دادی» قوانین اخلاقی مطابق با مادیات است (شیور، ۱۹۸۷) و فقط به منظور اجتناب از «تنبیه» (مرحله اول) یا دستیابی به «پاداش» (مرحله دوم) رعایت می‌شوند. این سطح مطابق با «واقع‌گرایی اخلاقی» پیاژه است (منصور، ۱۳۸۱). در تراز «قراردادی» جهت‌گیری خود مدارانه قبلی جای خود را به جهت‌گیری دیگر پسند می‌دهد (مرحله سوم). و فرد قراردادهای اجتماعی را کورکورانه می‌پذیرد (مرحله چهارم) (میوس، ۱۹۹۶). البته افراد بیشتر به صورت ظاهر یا «نص» قانون توجه می‌کنند تا به «روح» آن (شکرکن و همکاران، ۱۳۷۶). در تراز «پس قراردادی»، اخلاق بر اساس پیمان اجتماعی و قوانین نسبی و انعطاف پذیر و مورد قبول اکثریت مطرح است (مرحله پنجم) (منصور، ۱۳۸۱). از نظر اسلاوین^۳ حقوق دمکراتیک، حقوق فردی، شرافت و کمال انسانی، برابری و تعهدات متقابل، مبارزه بر علیه تبعیض، آرامش

همگانی و کمک به ضعف از شعارهای اخلاقی افراد این مرحله است. در مرحله ششم اخلاق به اوج خود می‌رسد و بر وجدان فردی استوار می‌شود. شعار افراد این مرحله «بیشترین خوبی برای همه افراد» است (کلبرگ، ۱۹۸۴).

نظریه پردازان یادگیری اجتماعی از جمله بندورا^۴ رفتار اخلاقی را وابسته به موقعیت و از طریق مشاهده و تقلید از دیگران می‌دانند. از نظر هرگنهان^۵ و السون^۶ (۱۳۸۲) معیار اخلاقی به تدریج از طریق تعامل با الگوها رشد می‌کند. در دیدگاه روان تحلیل‌گری اخلاق معادل با فرمان یا وجدان و احساس گناه در برابر تخلف از اصول و احساس سرزنش و بازخواست درونی در برابر ارتکاب عمل خطاست. از نظر گلیگان (۱۹۸۲) مردان «دیدگاه قضایی» (اخلاق بر اساس قوانین) و زنان «دیدگاه مسئولیت پذیری» را در اخلاق رعایت می‌کنند. رست (۱۹۹۴) چهار فرایند روانشناختی را برای اخلاق مطرح می‌کند: ۱. حساسیت اخلاقی ۲. قضاوت اخلاقی ۳. انگیزش اخلاقی ۴. مهارت‌های اجرایی در اخلاق.

«سازش یافتگی» تغییراتی در رفتار یا فرایندهای شناختی است که فرد را قادر می‌سازد به طور انطباقی با تغییرات محیط یا تغییرات حاصل در توانایی‌های خود کنار آید (لاوتون، ۲۰۰۱). در دیدگاه رفتارگرایی، سازش یافتگی با پاسخ مناسب به محرک‌های محیطی به نحوی که بیشترین تقویت‌ها را به وجود آورد در رابطه است (تالکدر، ۲۰۰۰). از نظر ملرز و مک گراو (۲۰۰۱) سازش یافتگی وابسته به موقعیت است و میزان سازش یافتگی فرد در موقعیت‌های گوناگون در یک پیوستار «سازش یافته-عدم سازش یافته» قابل ارائه است. فانسلو و کیم (۱۹۹۴) «یادگیری» را به عنوان ملاک سازش یافتگی مطرح می‌کنند. موجودی سازش یافته است که رفتارهای ضروری و لازم را به شیوه مناسب یاد بگیرد. «کمبود یادگیری» و «بیش بود یادگیری» هر دو سازش یافتگی را پایین می‌آورد.

در دیدگاه شناختی، تفکرات منطقی و واقعی و کسب حداکثر آگاهی، اساس سازش یافتگی است. نظام شناختی معیوب می‌تواند سازش یافتگی را پایین آورد و یافتن سازش مجدد با «بازسازی شناختی» امکان پذیر است (پروچاسکا^۷ و نورکراس^۸، ۱۳۸۱). بندورا (۱۹۸۶) فردی را دارای سازش یافتگی معرفی می‌کند که «الگوبرداری انتزاعی» داشته باشد یعنی تعدادی موقعیت را که دارای قاعده یا اصل مشترک‌اند مشاهده کند، قاعده یا اصل را استخراج کند و آن قاعده را در موقعیت‌های تازه به کار گیرد (به نقل از هرگنهان و السون، ۱۳۸۲).

در دیدگاه روان تحلیل‌گری، چگونگی تحول روانی-جنسی، تعادل ساختارهای شخصیتی و مکانیسم‌های سازشی ملاک سازش یافتگی اند. در دیدگاه انسانگرایی و اصالت وجود اعتماد

ارگانیزمی، گشودگی به تجربه، زندگی وجودی در زمان حال، هماهنگی «خویشتن پنداری» با «تجربه ارگانیزمی»، هشیاری و انتخاب، تصمیمات درست، مسئولیت پذیری و معنی یابی زندگی اساس سازش یافتگی اند (شفیع آبادی و ناصری ۱۳۷۸). دردیدگاه سیستمی یا ساختاری، مرزهای «زیر سیستم» و سلسله مراتب آنها و نیز روابط موجود بین زیر سیستم ها مثل زیر سیستم زن و شوهر «تمایز خود» و «پاسخ دادن خود مختارانه» برای افزایش سازش یافتگی به کار می رود (پروچاسکا و نورکراس، ۱۳۸۱). علی رغم تحقیقات زیادی که در مورد هر یک از متغیرها به طور جداگانه انجام شده، اما در مورد رابطه آنها تحقیقات بسیار اندکی وجود دارد. مثلاً جهودا (۱۹۸۸) در دانش آموزان ۱۴ تا ۱۷ ساله دریافت که نوجوانان دارای سازش مدرسه ای در سطوح بالاتر تحول اخلاقی قرار دارند. کلین (۱۹۹۳) در دانش آموزان مدرسه گریز سطح پایین تحول اخلاقی و نمرات پایین در زمینه های سازش یافتگی عاطفی، اجتماعی و تحصیلی را گزارش کرد. اسراف (۱۹۹۸) رابطه سازش یافتگی عاطفی با رفع نیازهای کودک و نوجوان توسط منابع حمایتی و ایجاد «دلبستگی ایمن» و سازش یافتگی خانوادگی معنادار یافته است. آیزنبرگ (۲۰۰۰) نقش «هیجانها» را در رفتار اخلاقی مطالعه کرده و سازش یافتگی پایین هیجانی را موجب تشدید رفتارهای غیر اخلاقی یافته است. ونزیب (۲۰۰۶) دریافت که افراد دارای سطح تحول اخلاقی پایین در موقعیت های مختلف درجات سازش یافتگی متفاوت را نشان می دهند ولی در افراد دارای سطح تحول اخلاقی بالا سازش یافتگی قابل تعمیم است و ماورای موقعیت ها است. پولوی (۲۰۰۶) آموزش رفتارهای اخلاقی را راهکار اصلی کاهش مشکلات اخلاقی، خانوادگی و اجتماعی مطرح کرده است. با در نظر گرفتن سوابق پژوهشی فوق، هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه تحول اخلاقی با سازش یافتگی در نوجوانان پسر و دختر است.

● روش

○ «جامعه» مورد مطالعه در این تحقیق کلیه دانش آموزان مقطع متوسطه و پیش دانشگاهی دختر و پسر شهرستان عجب شیر بودند. جهت انتخاب نمونه با استفاده از شیوه نمونه گیری تصادفی خوشه ای تعداد ۱۶۰ نفر (۸۰ پسر و ۸۰ دختر) انتخاب گردیدند.

● ابزارها

□ پرسشنامه سازش یافتگی بل^۹ (BAQ) این پرسشنامه در سال ۱۹۶۱ توسط بل تهیه شده است

و شامل ۱۶۰ سؤال برای ارزیابی سازش یافتگی در ابعاد خانوادگی، جسمانی، تحصیلی، اجتماعی، هیجانی می‌باشد. در این پرسشنامه برای هر بُعد ۳۲ سؤال وجود دارد و پاسخ‌ها به صورت «بله-خیر» می‌باشند. نمرات کمتر در این پرسشنامه نشانگر سازش یافتگی بالا و نمرات بیشتر در آن نشانگر سازش یافتگی پایین می‌باشد. ضریب «اعتبار»^{۱۰} این پرسشنامه با استفاده از فرمول اسپیرمن-براون برای ابعاد خانوادگی، جسمانی، تحصیلی، اجتماعی هیجانی به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۱، ۰/۸۵، ۰/۸۸، ۰/۹۱ گزارش شده است. ضریب همبستگی درونی بین ابعاد مختلف سازش یافتگی از ۰/۱۱ تا ۰/۶۱ گزارش شده است (بل، ۱۹۵۳). جهت بررسی «اعتبار» پرسشنامه سازش یافتگی در پژوهش حاضر با استفاده از روش همسانی درونی ضریب آلفای کرونباخ آن بین ۰/۷۸ تا ۰/۸۹ به دست آمد.

□ پرسشنامه تحول اخلاقی لیند^{۱۱} (LMDQ) این پرسشنامه در سال ۱۹۷۸ در دانشگاه کنستانس توسط لیند بر اساس اصول کلی نظریه کلبرگ و با بهره‌گیری از شیوه‌سنجش قضاوت‌های اخلاقی او تهیه شده است. در این پرسشنامه ابتدا داستانی برای آزمودنی ارائه می‌شود و سپس با توجه به آن داستان ۱۲ ماده در چارچوب ۶ مرحله تحول اخلاقی کلبرگ آورده شده و از آزمودنی خواسته می‌شود در پیوستاری از ۰ تا ۸ با توجه به استدلال و قضاوت خود نمره دهد. به این ترتیب در این پرسشنامه در دامنه ۰ تا ۹۶ نمره به دست می‌آید. امتیاز این پرسشنامه نسبت به پرسشنامه کلبرگ و سایرین در این است که نمره گذاری آن بسیار عینی و آسان و پاسخ دهی آزمودنی راحت و ساده است (لیند، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵). در این تحقیق ضریب اعتبار اجرای مجدد این پرسشنامه ۰/۶۲ به دست آمده است.

○ طرح تحقیق حاضر یک طرح همبستگی است. برای تحلیل داده‌های بدست آمده از ضریب همبستگی پیرسون و نیز آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین ابعاد سازش یافتگی و تحول اخلاقی در دو جنس استفاده گردید.

● نتایج

بر اساس گستره‌های این پژوهش نتایج به شرح زیر ارائه شده است:

○ نگاهی به داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد که از لحاظ مراحل تحول اخلاقی ۴ نفر (۲/۵٪)؛ در مرحله ۲؛ ۱۶ نفر (۱۰٪)؛ در مرحله ۳؛ ۷۶ نفر (۴۷/۵٪)؛ در مرحله ۴؛ ۵۷ نفر (۳۵/۶۲٪)؛ در مرحله ۵ و ۷ نفر (۴/۳۷٪)؛ در مرحله ۶ قرار دارند.

جدول ۱- توزیع فراوانی مراحل تحول اخلاقی

درصد	فراوانی	شاخص‌های آماری
		مراحل تحول اخلاقی
-	-	مرحله ۱ تحول اخلاقی (نمره ۰-۱۶)
۲/۵	۴	مرحله ۲ تحول اخلاقی (نمره ۱۷-۳۲)
۱۰	۱۶	مرحله ۳ تحول اخلاقی (نمره ۳۳-۴۸)
۴۷/۵	۷۶	مرحله ۴ تحول اخلاقی (نمره ۴۹-۶۴)
۳۵/۶۲	۵۷	مرحله ۵ تحول اخلاقی (نمره ۶۵-۸۰)
۴/۳۷	۷	مرحله ۶ تحول اخلاقی (نمره ۸۱-۹۶)

○ نتایج مندرج در جدول ۲، میزان ضرایب همبستگی پیرسون و نیز معناداری آنها را از لحاظ آماری نشان می‌دهد. مقدار t محاسبه شده برای ضریب همبستگی $0/30$ برابر با $2/78$ می‌باشد و مقدار t جدول در سطح $0/01$ و درجه آزادی 78 برابر با $2/66$ می‌باشد. طبق نتایج این جدول سازش یافتگی خانوادگی، تحصیلی، اجتماعی و هیجانی با تحول اخلاقی همبستگی معنادار ($p < 0/01$) دارند. همچنین در پسران ابعاد مختلف سازش یافتگی با یکدیگر از همبستگی معنادار برخوردارند. و در دختران بجز سازش یافتگی جسمانی با اجتماعی و تحصیلی، بقیه ابعاد با یکدیگر از همبستگی معنادار برخوردارند ($p < 0/01$).

جدول ۲- ماتریس همبستگی پیرسون بین تحول اخلاقی و ابعاد سازش یافتگی

متغیرها	جنس	تحول اخلاقی	سازش خانوادگی	سازش جسمانی	سازش تحصیلی	سازش اجتماعی	سازش هیجانی
تحول اخلاقی	پسر دختر	۱ ۱					
سازش یافتگی خانوادگی	پسر دختر	$0/33^*$ $0/35^*$	۱ ۱				
سازش یافتگی جسمانی	پسر دختر	$0/02$ $0/03$	$0/4^*$ $0/43^*$	۱ ۱			
سازش یافتگی تحصیلی	پسر دختر	$0/37^*$ $0/33^*$	$0/4^*$ $0/5^*$	$0/54^*$ $0/26^*$	۱ ۱		
سازش یافتگی اجتماعی	پسر دختر	$0/28^*$ $0/49^*$	$0/61^*$ $0/3^*$	$0/56^*$ $0/16^*$	$0/39^*$ $0/37^*$	۱ ۱	
سازش یافتگی هیجانی	پسر دختر	$0/43^*$ $0/37^*$	$0/3^*$ $0/43^*$	$0/53^*$ $0/32^*$	$0/39^*$ $0/53^*$	$0/30^*$ $0/51^*$	۱ ۱

* $p < 0/01$

برای مقایسه نمرات پسران و دختران از آزمون t استفاده شد. با توجه به داده‌های جدول ۳ نتایج زیر بدست آمده است: بین پسران و دختران از لحاظ تحول اخلاقی تفاوت معنادار وجود ندارد. همچنین بین پسران و دختران از لحاظ سازش یافتگی در ابعاد جسمانی، تحصیلی و اجتماعی تفاوت معنادار وجود ندارد. براساس داده‌های این جدول مقدار t در ابعاد سازش یافتگی خانوادگی و هیجانی به ترتیب برابر است با ($t = -4/48$ و $t = -4/14$) که معنادار می‌باشد ($p < 0/01$). یعنی پسران به طور معناداری نسبت به دختران از سازش یافتگی خانوادگی ضعیف و دختران به طور معناداری نسبت به پسران از سازش یافتگی هیجانی ضعیف برخوردارند.

جدول ۳. خلاصه اطلاعات آزمون t در مورد مقایسه نوجوانان پسر و دختر از لحاظ متغیرها

df	t	دختر			پسر			متغیر
		انحراف معیار	میانگین	تعداد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۶۲	۰/۱۵	۵/۲۵	۷۲/۳۹	۳۳	۵/۷۷	۷۲/۶۱	۳۱	تحول اخلاقی سطح پایین
۹۴	۰/۲۵	۸/۵	۵۴/۵۷	۴۷	۷/۹	۵۴/۱۴	۴۹	تحول اخلاقی سطح بالا
۱۵۸	*-۴/۴۸	۵/۱	۹/۰۶	۸۰	۶/۱۴	۱۲/۶۵	۸۰	سازش یافتگی خانوادگی
۱۵۸	۰/۶۹	۳/۷	۹	۸۰	۵	۹/۴۳	۸۰	سازش یافتگی جسمانی
۱۵۸	۰/۵۲	۴/۱	۱۲/۹	۸۰	۳/۸	۱۳/۲	۸۰	سازش یافتگی تحصیلی
۱۵۸	۰/۲۳	۴/۸۸	۱۵/۹۱	۸۰	۵/۱۴	۱۶/۰۵	۸۰	سازش یافتگی اجتماعی
۱۵۸	*-۴/۱۴	۴/۹	۱۷/۸۲	۸۰	۵/۱۸	۱۴/۷۵	۸۰	سازش یافتگی هیجانی

* $p < 0/01$

● بحث و نتیجه گیری

○ هدف پژوهش حاضر «تعیین رابطه تحول اخلاقی و سازش یافتگی در نوجوانان» بود. نتایج این پژوهش نشان داد که تحول اخلاقی با سازش یافتگی خانوادگی، تحصیلی، اجتماعی و هیجانی رابطه معنادار دارد. ولی تحول اخلاقی با سازش یافتگی جسمانی دارای رابطه معنادار نیست. این نتایج همسو با تحقیقات انجام گرفته توسط جهودا (۱۹۸۸)، کلین (۱۹۹۳)، اسراف (۱۹۹۸)، آیزنبرگ (۲۰۰۰)، جگرز (۲۰۰۱)، میکروز، اینگلکس و هوف (۲۰۰۵)، بیت و همکاران (۲۰۰۵)، پولوی (۲۰۰۶)، وینریب (۲۰۰۶)، زمبونی (۲۰۰۶)، گیس و همکاران می‌باشد. همانگونه که جهودا (۱۹۸۸) و جگرز (۲۰۰۱) مطرح کرده‌اند هرچه افراد دارای تحول اخلاقی سطح بالا باشند

استدلالتها و ارزشهای اخلاقی آنها درونی شده است. این امر باعث می‌شود که آنها قضایا و مسایل را از زوایای مختلف بنگرند و ابعاد مختلف آنرا مدنظر قرار دهند. همچنین انعطاف‌پذیری موجود در این افراد باعث می‌شود که در صورت نیاز، تغییراتی اعمال گردد. لذا تحول اخلاقی به عنوان یک متغیر، سازش یافتگی فرد را با خود، افراد پیرامون و موقعیت شکل گرفته ایجاد می‌کند. افرادی که در مراحل پایین‌تر تحول اخلاقی قرار دارند، بر اساس عوامل سطحی و منافع شخصی مثل دوری از تنبیه، کسب پاداش و لذت، تأییدهای دیگران و قوانین خشک و غیر قابل انعطاف با مسایل درگیر می‌شوند. به عبارت دیگر، برخورد های آنها با مسایل، وابسته به شرایط و موقعیتهاست و طبیعی است بعضی شرایط و موقعیتهایی پیش می‌آید که باعث تنبیه شخص و مانع کسب پاداش و منافع می‌شود و تأییدهای دیگران بدست نمی‌آید. همچنین قوانین خشک و غیر قابل انعطاف شرایطی را ایجاد می‌کند که آرامش شخصی و عمومی دچار مشکل گردد. مشخص است که اصول اخلاقی فوق، در همه موقعیتها و شرایط نمی‌توانند رضایت خاطر و سازش شخص را فراهم سازند. روی این اصل، تحول اخلاقی سطح پایین و کمتر رشد یافته، می‌تواند در کاهش سازش یافتگی افراد اثر گذارد (میکرز و همکاران، ۲۰۰۵). اسراف (۱۹۹۸) مطرح می‌کند افرادی در نظام خانواده دارای سازش یافتگی بالا هستند که بتوانند به اقتضای موقعیت، هیجانهای اعضا را درک کرده و به دور از مسایل سطحی و ظاهری و منافع شخصی با آنها رفتار کنند. خانواده‌ای که در آن دوری از تنبیه و کسب پاداش فقط ملاک عمل افراد می‌باشد و قوانین خشکی در آن حاکم است، هر عضو برای خود منفعی را ترسیم می‌کند که دستیابی به آنها باعث می‌شود سازش کل اعضا بر هم خورد و مشکل ایجاد شود. جستجوی منافع در افرادی است که دارای سطوح پایین تحول اخلاقی باشند. همچنین وینرب (۲۰۰۶) مطرح می‌کند که سازش یافتگی اجتماعی در افراد دارای تحول اخلاقی سطح بالا وجود دارد. این افراد حقوق دیگران را رعایت کرده و برای آنها احترام قایل هستند، بهزیستی همه افراد و منافع گروهی و جمعی برای این افراد ملاک عمل است و این امر باعث می‌شود که آنها قوانین و هنجارهای جامعه را رعایت کرده و از رفتارهای ضد اجتماعی بپرهیزند. برعکس افراد دارای تحول اخلاقی سطح پایین با جستجوی منافع شخصی، سازش یافتگی خود با جامعه را پایین آورده و رفتارهای بزهکارانه را تشدید می‌کنند. کلین (۱۹۹۳) مطرح می‌کند که دانش آموزان دارای تحول اخلاقی سطح پایین آنها بی هستند که نمی‌توانند خود را با دیگر دانش آموزان سازگار کنند، مقررات مدرسه را رعایت نمی‌کنند، با کادر مدرسه مشکل دارند، از مدرسه فرار می‌کنند، نسبت به رشته تحصیلی خود رغبت کمتری دارند و نمرات پایین می‌آورند. همه این

موارد نشانگر سازش یافتگی پایین می‌باشد.

○ افزون بر این، نتایج تحقیق نشان داد که بین ابعاد مختلف سازش یافتگی با یکدیگر رابطه معنادار وجود دارد. متغیرهایی که بر سازش یافتگی در یک بعد تأثیر می‌گذارند ابعاد دیگر را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. فردی که دارای ابعاد سازش یافتگی هیجانی پایین می‌باشد و از لحاظ عواطف و هیجانات با خودش سازش لازم را ندارد، در نظام خانواده، تحصیل و اجتماع نمی‌تواند مسائل را به نحو مطلوب حل نماید. ابعاد سازش یافتگی در هم تنیده‌اند و به صورت یکپارچه و هماهنگ عمل می‌کنند.

○ دیگر نتایج تحقیق حاضر نشان داد که بین پسران و دختران از لحاظ سازش یافتگی خانوادگی و هیجانی تفاوت معنادار وجود دارد. به طوری که پسران نسبت به دختران از سازش یافتگی خانوادگی کمتر و دختران نسبت به پسران از سازش یافتگی هیجانی کمتر برخوردار هستند. این یافته هماهنگ با تحقیقات پیشین از جمله آیزنبرگ (۲۰۰۰) و زمبونی (۲۰۰۶) می‌باشد. زمبونی (۲۰۰۶) مطرح می‌کند که دختران نوجوان در مقایسه با پسران نوجوان حرمت خود ضعیف‌تر و انتظارات زندگی پایین‌تری دارند و از نظر اعتماد به نفس در سطح پایین‌تر و دربارهٔ هویت خود دارای ادراک منفی هستند. آیزنبرگ (۲۰۰۰) مطرح می‌کند که حرمت خود دختران ممکن است با افزایش سن کاهش یابد. در مطالعه وی بر روی آزمودنیهای ۱۸-۲۶ ساله دختران کاهش آشکاری در میزان تواناییهای لازم برای غلبه بر مشکلات زندگی و مقابله با تنیدگی‌ها نشان داده‌اند. آنها تمایل دارند که دارای «مسند مهار بیرونی» باشند و در مورد سطح عملکرد خود ارزیابی منفی دارند. همچنین سازش یافتگی کمتر خانوادگی در پسران را به عواملی چون استقلال‌طلبی، نداشتن مهار منطقی والدین، سبک‌های تربیتی خانواده، انتظارات غیر واقعی والدین، پیشداوری و مقایسه‌های بیمورد و خودداری از بحساب آوردن نظرات آنها ربط می‌دهد.

○ در این تحقیق بین پسران و دختران از لحاظ سایر ابعاد سازش یافتگی (جسمانی، تحصیلی، اجتماعی) و تحول اخلاقی تفاوت معناداری دیده نشد. در مورد تحول اخلاقی این یافته همسو با تحقیقات پیازده (۱۹۳۲)، کلبرگ (۱۹۸۴)، گیس و همکاران (۲۰۰۷) مبنی بر عدم وجود تفاوت‌های دو جنس در زمینه تحول اخلاقی می‌باشد.

○ به‌طور کلی نتایج پژوهش حاضر نشان دهنده وجود رابطه بین «تحول اخلاقی» و «سازش یافتگی خانوادگی، تحصیلی، اجتماعی و هیجانی» و همچنین تفاوت معنادار بین «پسران» و «دختران» از لحاظ سازش یافتگی خانوادگی و هیجانی می‌باشد. باید توجه داشت که وجود رابطه

بین دو متغیر نشان می‌دهد که یک عامل مؤثر در آرامش افراد و خانواده‌ها، آموزش در جهت ارتقاء سطح تحول اخلاقی افراد می‌باشد. حداقل ارتقاء سطح تحول اخلاقی افراد از میزان آسیبها و انحرافات اجتماعی، اخلاقی و خانوادگی خواهد کاست. بر اساس دیدگاه کلبرگ افراد دارای تحول اخلاقی سطح بالا به چنین آسیبها و انحرافات دامن نمی‌زنند و کاری انجام نمی‌دهند که به خود و دیگران آسیب برسانند. چون آنها اصول اخلاقی را درونی کرده‌اند (پیت و همکاران، ۲۰۰۵، پولوی، ۲۰۰۶). لذا لازم است که خانواده‌ها، مراکز آموزشی و پژوهشی، مراکز مشاوره و همه دست اندرکاران و متخصصین به این مسئله توجه نمایند. همچنین پیشنهاد می‌شود که این تحقیق با سایر ابزارها و گروههای سنی مختلف مورد بررسی قرار گیرد تا نتایج از قابلیت تعمیم پذیری بیشتری برخوردار گردد.

یادداشت‌ها

- | | |
|---|-------------------|
| 1- moral development | 2- adjustment |
| 3- Slavin, R. | 4- Bandura, A. |
| 5- Heregenhan, B. R. | 6- Olson, M. H. |
| 7- Prochaska, J. O. | 8- Nocross, J. C. |
| 9- Bell Adujstment Questionnaire(BAQ) | 10- reliability |
| 11- Lind Moral Development Questionnaire (LMDQ) | |

منابع

- پروچاسکا، جیمز؛ او. و نورکراس، جان.سی. (۱۳۸۱). نظریه‌های روان‌درمانی، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: انتشارات رشد.
- شکرکن، حسین؛ حقیقی، جمال؛ و کمایی، جمشید. (۱۳۷۶). مقایسه چهار گروه از دانش آموزان مقاطع مختلف تحصیلی آموزشگاهها و دانشجویان مراکز تربیت معلم اهواز از نظر قضاوت اخلاقی. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اهواز، دوره ۳، سال ۴، شماره ۳ و ۴، ص. ۴.
- شفیق آبادی، عبدالله؛ و ناصری، غلامرضا. (۱۳۷۸). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. تهران: نشر دانشگاهی.
- کدیور، پروین. (۱۳۷۸). روانشناسی اخلاق، تهران: انتشارات آگاه.
- منصور، محمود. (۱۳۸۱). روانشناسی، تهران: انتشارات سمت.
- هرگنهان، بی، آر؛ و السون، میتو، اج. (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی اکبر سیف. تهران: نشر دوران.

- Clin, I. J. (1993). School adjustment and achievement motivation. *Journal of Psychology*, 20, 17-20.
- Eisenberg, N. (2000). Emotion, regulation and moral development. *Annual Review of Psychology*, 51, 665-697.
- Fanselow, M. S.; & Kim, J. J. (1994). The acquisition of contextual pavlovian fear conditioning is blocked by application of an NMDA., *Behavior Neurosci*, 108, 210-221.
- Gibbs, J. C.; Basinger, K. S.; Grime, R. L.; & Snarey, J. R. (2007). Moral judgment development across cultures. *Developmental Review*, 27, 443-500.
- Giligan, C. (1982). *Sex differences in the expression of moral judgment*. Cambridge Mass Harward University Press.
- Jagers, R. J. (2001). Cultural integrity and social and emotional competence promotion work notes on moral development. *Journal of Negro Education*. 70, 59-71.
- Jahoda, M. (1988). Adjustment in students. *Journal of the American Psychological Association*, 47, 111-120.
- Kohlberg, L. (1984). *Essays on cognitive development and the psychology of moral development*. New York: Harper.
- Lawton, M. P. (2001). Emotion in later life. *Current Directions in Psychological Science*. 4, 120-123.
- Lind, G. (2004). *The meaning and measurement of moral judgment competence revisited. A dual-aspect model. Contemporary philosophical and psychological perspective on moral development and education*. Cresskill, N. J.: Hompton Press.
- Lind, G. (2005). *The cross-cultural validity of the moral judgment test*. Paper presented at the American Psychological Association. Washington, D. C., USA.
- Makers, Q. A.; Engels, R. M.; & Hoof, A. V. (2005). Delinquency and moral reasoning in adolescence and young adulthood. *International Journal of Behavioral Development*. 29, 3, 247-258.
- Mellers, B. A.; & Mc Graw, A. P. (2001). Anticipated emotions as guides to choice. *Current Directions in Psychological Science*. 6, 210-218.
- Muuss, R. E. (1996). *Theories of adolescent*. New York: Anom House.
- Piaget, J. (1932). *The moral judgment of the child*. New York: Free Press.
- Pitt, W.; Wilson, T.; Snyder, H.; Norman, T.; & Barger, B. (2005). Moral judgment developmental differences between gifted youth and college students. *Journal of Secondary Gifted Education*. 17, 6-14.
- Polovy, P. (2006). A study of moral development and personality relationship in adolescents and

- young adult catholic students. *Journal of Clinical Psychology*. 36, 3, 752-757.
- Rest, J. (1994). *Theory and research in moral development*. Psychology and applied ethics. Hillside, N. J.: Lawrence Erlbaum.
- Shaver, M. (1987). The effects of classroom moral discussion upon students level of moral judgment. *Journal of Moral Education*. 14, 129-138.
- Sroufe, A. L. (1998). The organization of emotional development. *Psycho-Analytic Inquiry*, 4, 575-599.
- Talukder, G. (2000). Decision making is still a work in progress for teenagers. *Current Directions in Psychological Science*, 6, 81-88.
- Wainrybe, C. (2006). *Socioemotional development in middle and late childhood*. Hill companies, Inc. www.karmengarret.com/development
- Zamboni, B. D. (2006). Therapeutic considerations in working with the family, friends and partners of transgendered individuals. *The Family Journal*. 14, 2, 174-179.

